

# ویژگی‌های روان‌سنجی پرسشنامه ارزیابی فرسودگی والدینی (PBA) در مادران ایرانی

## دارای کودک پیش‌دبستانی

مرضیه صادق‌زاده<sup>۱</sup>، مسلم عباسی<sup>۲</sup>

۱. استادیار روان‌شناسی تربیتی، دانشگاه سلمان فارسی کازرون، کازرون، ایران. (نویسنده مسئول)

۲. استادیار روان‌شناسی، دانشگاه سلمان فارسی کازرون، کازرون، ایران.

فصلنامه راهبردهای نو در روان‌شناسی و علوم تربیتی، دوره چهارم، شماره چهاردهم، تابستان ۱۴۰۱، صفحات ۲۸۲-۲۹۶

### چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی پرسشنامه ارزیابی فرسودگی والدینی (PBA) در نمونه مادران دارای فرزند پیش‌دبستانی بوده است. جامعه آماری این مطالعه توصیفی-مقطعی، شامل کلیه مادران شهر کازرون بوده که در سال تحصیلی ۱۴۰۰-۹۹ دارای لااقل یک فرزند ۵ تا ۷ ساله بوده‌اند. نمونه پژوهش نیز شامل ۸۸۴ مادر از این جامعه بوده که علاوه بر پاسخگویی به لینک آنلاین پرسشنامه‌ها، از ملاک‌های ورود موردنظر پژوهش نیز برخوردار بوده‌اند. ابزارهای پژوهش نیز شامل پرسشنامه ارزیابی فرسودگی والدینی (روزکام و همکاران، ۲۰۱۸) و فرم کوتاه شاخص استرس فرزندپروری (آبیدین، ۱۹۹۵) بوده است. در این مطالعه از روش‌های تحلیل عاملی اکتشافی، تحلیل عاملی تاییدی، محاسبه ضرایب آلفای کرونباخ، امگای مک‌دونالد، ضریب بازآزمایی و همچنین همبستگی با نمرات حاصل از پرسشنامه استرس فرزندپروری استفاده شده است. نتایج هر دو شیوه تحلیل عاملی، مؤید وجود یک ساختار چهار عاملی در فرسودگی والدینی مادران مورد مطالعه بوده است. مقادیر ضرایب آلفا، امگا و بازآزمایی نیز گواه همسانی درونی و ثبات زمانی مطلوب و مقادیر همبستگی با نمرات پرسشنامه استرس فرزندپروری گواه روایی همگرایی مناسب ابزار بوده است. نتایج پژوهش ضمن تأکید بر قابلیت پرسشنامه ارزیابی فرسودگی والدینی در نمونه مادرانی که دارای فرزند پیش‌دبستانی هستند، نشان می‌دهد که تجربه فرسودگی والدینی لااقل در این گروه از مادران ایرانی دارای چهار جنبه مشخص بوده و به لحاظ ساختاری با آنچه در پژوهش روزکام و همکاران (۲۰۱۸) مورد بحث قرار گرفته، متفاوت نیست.

**واژه‌های کلیدی:** فرسودگی والدینی، استرس فرزندپروری، روان‌سنجی، مادران، پیش‌دبستانی.

## مقدمه

شاید به‌ندرت بتوان سازه روان‌شناختی دیگری را پیدا نمود که در وسعت دامنه یا «بی‌زمینه» بودن با مفهوم فرسودگی<sup>۱</sup> رقابت کند (بیانچی، تروچات، لارنت، بریسون و شونفلد<sup>۲</sup>، ۲۰۱۴). هرچند آنچه ماسلچ، به‌عنوان مبدع و آغازگر این مفهوم، در نظریه چندبعدی فرسودگی خود موردتوجه قرارداده، به‌وضوح تجربه فرسودگی افراد بزرگسال در محیط‌های شغلی و حرفه‌ای را نشانه رفته است (ماسلچ، شافلی و لایتر<sup>۳</sup>، ۲۰۰۱). وی پس از یک دهه پژوهش کیفی و کمی، فرسودگی شغلی را به‌عنوان سندرم روان‌شناختی مشخصی معرفی نموده که از سه جنبه خستگی طاقت‌فرسا<sup>۴</sup>، کیستی‌زدایی یا حس بیگانگی با ذینفعان کار<sup>۵</sup> و حس بی‌ثمری و فقدان موفقیت<sup>۶</sup> برخوردار است (ماسلچ و جکسون<sup>۷</sup>، ۱۹۸۱). مؤلفه خستگی که بعد اصلی فرسودگی را در برمی‌گیرد، به احساس تهی شدن و به تاراج رفتن منابع عاطفی و جسمانی بازمی‌گردد. مؤلفه کیستی‌زدایی یا حس بیگانگی نیز به منفی بودن، بی‌حسی عاطفی و بی‌اعتنایی شدید فرد نسبت به جوانب مختلف شغل ازجمله ذینفعان اشاره می‌کند. مؤلفه سوم نیز چنان‌که از نام آن پیداست به احساس بی‌کفایتی، بی‌ثمری و بی‌توفیق بودن در کار بازمی‌گردد (ماسلچ و همکاران، ۲۰۰۱).

این مفهوم‌سازی خاص خیلی سریع به حوزه‌های دیگری که در آن تجربه‌هایی از ملال و خستگی شدید افراد وجود داشت، ازجمله والدگری، وارد گردید. چنان‌که در همان دهه، پلسما، رونالد، تالفسون و ویگینگتون<sup>۸</sup> (۱۹۸۹) روایی سیاهه ماسلچ را در ارزیابی فرسودگی والدینی با نمونه‌ای شامل ۱۰۰ نفر از مادران کودکان خردسال مورد بررسی قرار داده و دریافتند که لااقل دو مؤلفه از مفهوم موردنظر ماسلچ، یعنی خستگی عاطفی و فقدان توفیق شخصی در خصوص فرسودگی والدینی نیز معتبر است. بااین‌همه مفهوم فرسودگی والدینی، علیرغم پژوهش‌های متنوعی که در تمامی کشورها بر روی فرسودگی شغلی انجام می‌گرفت تا دهه‌ها بعد نیز با اقبال مواجه نشد (روزکام، ریز و میکولایچاک<sup>۹</sup>، ۲۰۱۷).

اما پژوهش بیانچی و همکاران (۲۰۱۴) بار دیگر این موضوع را مطرح ساخت که تجربه تنش مزمن و طولانی‌مدت یا همان دلیل وجودی فرسودگی، تنها محدود به محیط کار نیست و از همین رو، نمی‌توان این تجربه روانی را تنها در دامنه محدود فرسودگی شغلی مورد مطالعه قرارداد. چنین تأکیدی در کنار پژوهش‌های بعدی حوزه فرزندپروری (همچون آبدین<sup>۱۰</sup>، ۱۹۹۰؛ دیتر-دکاردا<sup>۱۱</sup>، ۱۹۹۸ و ۲۰۰۴ و سرنیک و لو<sup>۱۲</sup>، ۲۰۰۲) که به‌وضوح بر پیچیدگی و پرتنش بودن نقش پدر و مادری تأکید می‌نمودند، قرار گرفته و یک بار دیگر والدگری را به‌عنوان عرصه‌ای کاملاً مستعد برای بروز تجربه فرسودگی مطرح ساخت. به‌ویژه تعریف دیتر-دکاردا

1. burnout

2. Bianchi, Truchot, Laurent, Brisson & Schonfeld

3. Maslach, Schaufeli & Leiter

4. overwhelming exhaustion

5. depersonalization of the beneficiaries of one's work

6. sense of ineffectiveness and lack of accomplishment

7. Maslach & Jackson

8. Pelsma, Roland, Tollefson & Wigington

9. Roskam, Raes, & Mikolajczak

10. Abidin

11. Deater-Deckard

12. Crnic & Low

(۱۹۹۸) از استرس فرزندپروری<sup>۱</sup> به‌عنوان یک واکنش روانی منفی خاص که ممکن است در والدین نسبت به مقتضیات فرزندپروری بروز یابد، درنهایت توانست والد بودن را به‌عنوان امری دشوار و طاقت‌فرسا معرفی نماید که حتی عواطف منفی شدیدی را در پدر یا مادر نسبت به خود و فرزندان ایجاد می‌نماید.

پس‌ازآن، مطالعه روزکام و همکاران (۲۰۱۷) شواهدی مقدماتی را در حمایت از مفهوم فرسودگی والدینی مهیا ساخت. در این مطالعه، گویه‌های سیاهه فرسودگی شغلی ماسلچ<sup>۲</sup> به نحوی بازنویسی شده بود که بدون ابهام با زمینه فرزندپروری و تجربه‌های والدین هماهنگ باشد. هرچند نتایج این پژوهش نیز همچون مطالعه پلسما و همکاران (۱۹۸۹) بر وجوه ظریف تفاوت بین مفهوم فرسودگی والدینی با سازه متقدم فرسودگی شغلی تأکید نمود. بدین ترتیب که مؤلفه فردیت زدایی در زمینه والدگری مشابه زمینه‌های شغلی بروز نیافته و به‌جای آن نوعی فاصله‌گیری عاطفی با فرزندان تجربه می‌شود. درواقع والدین عادی که مبتلا به روان‌پریشی یا اختلال ضداجتماعی نیستند، حتی زمانی که درنهایت طاقت و تحمل خویش قرار می‌گیرند نیز نمی‌توانند از پاره‌های تن خویش شخصیت‌زدایی کرده و آن‌ها را در تجربه عاطفی خویش به‌اندازه یکشی تنزل دهند؛ اما این امکان وجود دارد که در چنین لحظاتی از منبع خستگی و تنش خویش دوری جسته و به‌نوعی شیوه فاصله گرفتن عاطفی را برگزینند که علیرغم تغذیه و رسیدگی به مسائل جسمانی فرزندان، حساسیت و پاسخگویی عاطفی کمی را به نمایش می‌گذارد (روزکام و همکاران، ۲۰۱۷).

این موضوع به باور میکولایچاک و روزکام (۲۰۱۸) مهم‌ترین وجه تمایز میان تجربه فرسودگی در حوزه شغلی و فرسودگی والدینی است که ضمن توجه به مفهوم‌سازی مجزا، وجود یک ابزار مناسب جهت اندازه‌گیری فرسودگی والدینی را نیز ضروری می‌سازد. بنا به تعریف ایشان، مراد از فرسودگی والدینی یک سندرم منحصربه‌فرد و خاص زمینه<sup>۳</sup> است که از مواجهه مداوم با استرس مزمن والدگری منتج می‌شود. به‌علاوه میکولایچاک و روزکام (۲۰۱۸) باور دارند که فرسودگی والدینی درنتیجه عدم توازن مزمن بین مقتضیات (یا عوامل خطر)<sup>۴</sup> و منابع (یا عوامل حفاظتی)<sup>۵</sup> روی می‌دهد. منظور از مقتضیات یا عوامل خطر مسائلی همچون کمال‌گرایی، هوش هیجانی پایین، مهارت‌های ضعیف فرزندپروری، فقدان شبکه حمایت اجتماعی و وظایف و روزمرگی‌های بی‌شمار پدر و مادر است که استرس فرزندپروری را به طرز قابل توجهی افزایش می‌دهد. در مقابل، منابع یا عوامل حفاظتی مسائلی همچون شفقت به خود، هوش هیجانی بالا، مهارت‌های مناسب در فرزندپروری، زمان فراغت، حمایت اجتماعی و توافق و مشارکت همسر در امور فرزندپروری را در برمی‌گیرد که استرس فرزندپروری را به طرز معنی‌داری کاهش می‌دهند.

مطابق این دیدگاه، منابع یا عوامل حفاظتی نبود یا فقدان عوامل خطر به شمار نمی‌روند؛ بلکه نقطه مقابل یا متضاد آن‌ها در نظر گرفته می‌شوند. ازاین‌رو، چنان‌که میکولایچاک و روزکام (۲۰۱۸) ادعا می‌کنند آنچه تجربه فرسودگی را برای یک والد رقم می‌زند عدم‌توازی است که بین دو مجموعه عوامل خطر و مجموعه عوامل حفاظتی او وجود دارد. به کلام دیگر، فرسودگی والدین را

<sup>۱</sup>. parenting stress

<sup>۲</sup>. Maslach Burnout Inventory

<sup>۳</sup>. context-specific

<sup>۴</sup>. demands (risk factors)

<sup>۵</sup>. resources (protection factors)

نمی‌توان باتجربه عادی، معمول و گاه حتی ضروری استرس فرزندپروری در پدر و مادرها یکی دانست. چراکه این تجربه خاص زمانی در یک والد ظهور می‌کند که توازن میان مجموعه عوامل خطر و عوامل حفاظتی او تحت تأثیر یک استرس فرزندپروری شدید، طولانی‌مدت و مزمن دچار نقصان شده باشد (میکولایچاک و روزکام، ۲۰۲۰).

روزکام، بریاندا و میکولایچاک (۲۰۱۸) ضمن مفهوم‌سازی، ابزاری نیز جهت اندازه‌گیری این تجربه خاص روانی در والدین طراحی نموده‌اند. فرم نهایی ابزار ارزیابی فرسودگی والدینی<sup>۱</sup> (PBA) چهار مؤلفه فرسودگی والدینی یعنی خستگی از نقش والدی<sup>۲</sup>، فاصله عاطفی با فرزندان<sup>۳</sup>، تضاد با خویشتن والدینی<sup>۴</sup> و حس ملال و بن‌بست در نقش والدی<sup>۵</sup> را مورد پرسش قرار می‌دهد. مؤلفه اول یعنی خستگی از نقش والدی مشابه مفهومی را ارائه می‌دهد که در مدل‌سازی ماسلیچ از فرسودگی شغلی نیز وجود داشت؛ یعنی همان احساس تهی شدن و به تاراج رفتن منابع عاطفی و جسمانی که به سبب پرداختن به وظایف والدگری و رویارویی با تنش‌های فرزندپروری ایجاد گردیده است (وان‌بیکل، وان‌انگن و پیترز، ۲۰۱۸). مؤلفه دوم یعنی فاصله عاطفی با فرزندان نیز به بخشی از تجربه فرسودگی والدینی اشاره می‌کند که طی آن پدر یا مادر به منظور فاصله گرفتن از منشأ خستگی، خود را از نظر احساسی (و نه جسمی) از فرزندان جدا می‌نماید. بدین معنا که گرچه والدین هنوز هم از نظر جسمی به مراقبت از فرزندان خویش ادامه می‌دهند، اما از نظر عاطفی کمتر درگیر شده و در نتیجه حساسیت و پاسخگویی کمتری نسبت به علائم و نیازهای عاطفی فرزندان نشان می‌دهد.

مؤلفه تضاد با خویشتن والدینی پیشین نیز گرچه در مفهوم‌سازی و سنجش ماسلیچ از فرسودگی وجود ندارد، به‌زعم روزکام و همکاران (۲۰۱۸) در ذات تجربه فرسودگی تنیده شده است. درواقع استدلال ایشان در حمایت از این مؤلفه به این واقعیت منطقی بازمی‌گردد که در صورت نبود تعارض یا تضاد میان ارزیابی فرد از وضعیت فعلی با تصویر ذهنی وی از خود، تجربه فرسودگی نیز به وجود نخواهد آمد؛ به عبارت دیگر، تضاد بین قضاوتی که فرد نسبت به وضعیت فعلی خود انجام می‌دهد با آنچه در ساختار خویشتن وی از چگونگی ایفای نقش والدگری ترسیم شده، یکی از ستون‌های اصلی تجربه فرسودگی والدینی به شمار می‌رود. درنهایت، مؤلفه چهارم یعنی حس ملال و بن‌بست در نقش والدی نیز -چنان‌که از عنوانش برمی‌آید- به بخشی از تجربه فرسودگی والدینی اشاره می‌کند که طی آن والد هیچ لذتی از بودن در کنار فرزندان خویش نمی‌برد و برعکس، احساس می‌کند در زندانی که از وظایف و مسئولیت‌های پدری یا مادری ساخته شده، به دام افتاده و هیچ راهی هم برای نجات و رهایی از این بن‌بست پیدا نمی‌کند.

<sup>۱</sup> . Parental Burnout Assessment

<sup>۲</sup> . Exhaustion in one's parental role

<sup>۳</sup> . Emotional distancing from one's children

<sup>۴</sup> . Contrast with previous parental self

<sup>۵</sup> . Feelings of being fed up with one's parental role

پژوهش‌هایی که در چند سال اخیر با استفاده از پرسشنامه ارزیابی فرسودگی والدینی (PBA) انجام شده (همچون بریاندا، روزکام و میکولایچاک<sup>۱</sup>، ۲۰۲۰؛ میکولایچاک، گراس، استینگل همبر، لیندال نوربرگ و روزکام<sup>۲</sup>، ۲۰۲۰؛ میکولایچاک، گراس و روزکام، ۲۰۱۹) نشان می‌دهد که تجربه فرسودگی والدینی از چنان تأثیر مخربی بر سلامت روان برخوردار است که با احتمال بیشتری (نسبت به فرسودگی شغلی) می‌تواند یک بزرگسال را به سمت افکار خودکشی سوق دهد. از سوی دیگر، با تکیه بر پژوهش‌هایی همچون میکولایچاک، بریاندا، آوالوس و روزکام<sup>۳</sup> (۲۰۱۸) می‌توان نتیجه گرفت که فرسودگی والدینی با پیامدهای منفی جدی برای فرزندان نیز همراه است. هرچند به باور روزکام و همکاران (۲۰۲۱)، نگرانی اصلی پیرامون فرسودگی والدینی، نه پیامدهای منفی آن، بلکه شیوع بالای آن در اکثر کشورهای جهان است. اطلاعاتی که این پژوهشگران در خلال کنسرسیوم بین‌المللی بررسی فرسودگی والدینی<sup>۴</sup> از ۴۲ جامعه مختلف جمع‌آوری نموده‌اند، به‌ویژه گویای آن است که فرهنگ از تأثیر قابل‌توجهی بر میزان و کیفیت تجربه فرسودگی والدینی برخوردار است. درواقع برآیند نهایی روزکام و همکاران (۲۰۲۱) این است که فرسودگی والدینی به‌رغم شیوع بالا، محصول گسترش فرهنگ فردگرایانه‌ای است که به‌تدریج از فرهنگ اروپایی-آمریکایی به سرتاسر دنیا صادر شده است. البته پژوهش روزکام و همکاران (۲۰۲۱) فارغ از نتیجه‌گیری نهایی آن، به‌واسطه بهره‌مندی از اطلاعاتی پیرامون فرسودگی والدین ایرانی نیز حائز اهمیت است. هرچند این اطلاعات به هیچ نتیجه خاصی پیرامون والدین ایرانی ختم نشده و تنها در مقایسه کلی میان فرهنگ‌های مختلف مورد استفاده قرار گرفته، اما به‌هرحال بر مبنای تنها یک نمونه ۴۴۸ نفری از پدر و مادرهای ایرانی فراهم گردیده است. البته اکثریت اعضای این نمونه چنان‌که در مطالعه موازی موسوی، میکولایچاک و روزکام<sup>۵</sup> (۲۰۲۰) نیز گزارش شده، در خود ایران متولد گردیده‌اند؛ اما به‌هرحال مشخص نیست که چند درصد آن‌ها هنوز هم در جغرافیای ایران ساکن بوده و چند درصد را والدین مهاجر ایرانی تشکیل داده‌اند. مضاف بر اینکه نمونه ایرانی مورد مطالعه روزکام و همکاران (۲۰۲۱) و موسوی و همکاران (۲۰۲۰) به لحاظ جنسیت و سن والد، جنسیت، سن و تعداد فرزندان، سبک زندگی تک‌والدی یا دو‌والدی، موضوع فرزندخواندگی و ویژگی‌های دیگر بسیار ناهمگن بوده است. این در حالی است که به گواه پیشینه پژوهشی (همچون باستیانشن، ورسپیک و ون‌بیکل<sup>۶</sup>، ۲۰۲۱؛ پارک<sup>۷</sup>، ۲۰۱۳؛ دیتر-دکارد و اسکار<sup>۸</sup>، ۱۹۹۶؛ روزکام و میکولایچاک، ۲۰۲۰؛ کوینن، روتهاپت و ولفگرام<sup>۹</sup>، ۲۰۰۹؛ مسکاردینو، برتلی و آلتو<sup>۱۰</sup>، ۲۰۱۱) هریک از موارد فوق -به‌ویژه جنسیت والد- می‌تواند بر موضوع فرزندپروری، استرس‌ها و فرسودگی‌های ناشی از آن تأثیر بسزایی بگذارد.

1. Brianda, Roskam, & Mikolajczak

2. Mikolajczak, Gross, Stinglhamber, Lindahl Norberg & Roskam

3. Mikolajczak, Brianda, Avalosse & Roskam

4. International Investigation of Parental Burnout (IIPB) Consortium

5. Mousavi, Mikolajczak & Roskam

6. Bastiaansen, Verspeek & van Bakel

7. Parke

8. Deater-Deckard & Scarr

9. Koivunen, Rothaupt & Wolfgram

10. Moscardino, Bertelli & Altoè

بدین ترتیب، گرچه در مطالعه موسوی و همکاران (۲۰۲۰) همسانی درونی پایین برای خرده‌مقیاس فاصله عاطفی با فرزندان به باورهای جمع‌گرایانه، سنتی و مذهبی والدین ایرانی نسبت داده شده، اما نباید از مداخله هریک از موارد فوق به واسطه ناهمگنی شدید نمونه پژوهشی نیز غفلت نمود. به کلام دیگر، اگرچه پژوهش موسوی و همکاران (۲۰۲۰) بر وجود یک ساختار چهار عاملی در نسخه فارسی پرسشنامه ارزیابی فرسودگی والدینی (PBA) صحت گذاشته، اما به واسطه ضعف در همسانی درونی، پژوهش‌گران را به رعایت احتیاط و محافظه‌کاری در خصوص یکی از مؤلفه‌های این ابزار یعنی فاصله عاطفی با فرزندان توصیه نموده است. به باور ایشان، این احتمال وجود دارد که تأکید فرهنگ ایرانی بر ایجاد یک محیط خانوادگی سرشار از عشق، تعلق و امنیت جهت پرورش فرزندان، مانع ظهور فاصله عاطفی پدر و مادر با فرزندان به عنوان یکی از جنبه‌های فرسودگی والدینی شده است. هرچند در پژوهش موسوی و همکاران (۲۰۲۰) نیز این موضوع تنها به عنوان یک گمانه‌زنی مطرح و تأیید یا عدم تأیید آن به پژوهش‌های کمی بیشتری با استفاده از پرسشنامه ارزیابی فرسودگی والدینی موکول گردیده است.

بر همین اساس و به لحاظ ضرورتی که پژوهش‌های اخیر (همچون روزکام و همکاران، ۲۰۲۱؛ میکولایچاک، گراس و روزکام، ۲۰۲۱) در مطالعه فرسودگی والدینی گوشزد می‌نمایند، پژوهش حاضر باهدف بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی نسخه فارسی پرسشنامه فرسودگی والدینی (PBA) در مادران ایرانی که دارای فرزند پیش‌دبستانی هستند، انجام گرفته است.

### روش پژوهش

این پژوهش از نظر هدف کاربردی و به لحاظ روش‌شناختی در زمره پژوهش‌های توصیفی و مقطعی قرار می‌گیرد. جامعه آماری نیز تمام مادران شهر کازرون را در برمی‌گرفت که در سال تحصیلی ۱۴۰۰-۹۹ دارای یک فرزند پیش‌دبستانی ۵ تا ۷ ساله بودند. البته در این مطالعه از الگوی مورد تأیید سازمان بهداشت جهانی<sup>۱</sup> (۲۰۰۶) تبعیت شده که چهار مرحله را در فرایند ترجمه و انطباق ابزارهای اندازه‌گیری لازم می‌داند. از این رو، طی مراحل یک و دو، ترجمه نسخه اصلی پرسشنامه به زبان فارسی و همین‌طور مقایسه بازگردان مجدد<sup>۲</sup> با نسخه اصلی انجام گرفته است. سپس نسخه فارسی حاصل از دو گام اول جهت بررسی و محاسبه نسبت روایی محتوایی لاووشه در اختیار هشت متخصص روان‌شناسی تربیتی قرار گرفت که در نهایت مقایسه مقادیر مربوط به نسبت روایی محتوایی<sup>۳</sup> (CVR) با مقدار بحرانی ۰/۷۵ برای هشت متخصص (آیر و اسکالی<sup>۴</sup>، ۲۰۱۴)، گواه روایی محتوایی تمام‌گویه‌های نسخه فارسی پرسشنامه فرسودگی والدینی بود. این نسخه در مرحله چهارم به همراه ابزار دیگر پژوهش به صورت یک فرم الکترونیک درآمده و در قالب یک لینک در گروه‌های مجازی مراکز پیش‌دبستانی و مهدکودک‌های شهر کازرون قرار گرفت. این لینک به مدت ۶۰ روز فعال نگه‌داشته شد که طی این مدت ۹۱۲ مادر پرسشنامه‌های موجود در آن را تکمیل نمودند. هرچند اطلاعات ۱۸ نفر از آن‌ها به دلیل مغایرت با ملاک‌های ورود (بهره‌مندی از یک خانواده دوالدی، برخورداری از حداقل یک فرزند ۵ تا ۷ ساله، عدم دریافت تشخیص اختلال از جانب روان‌پزشک برای مادر و نبود سابقه اختلال، معلولیت یا ناتوانی خاص برای کودک) کنار

<sup>۱</sup> . World Health Organization (WHO)

<sup>۲</sup> . backward translation

<sup>۳</sup> . Content Reliability Ratio

<sup>۴</sup> . Ayre & Scally

گذاشته و در نهایت یک نمونه پژوهشی متشکل از ۸۸۴ مادر دارای کودک پیش‌دبستانی در نظر گرفته شد. ویژگی‌های جمعیت‌شناختی این نمونه پژوهشی در بخش یافته‌ها به اختصار ذکر شده است.

برای گردآوری اطلاعات پژوهش نیز از ابزارهای زیر استفاده شده است:

**پرسشنامه فرسودگی والدینی (PBA):** چنان‌که گفته شد، این پرسشنامه توسط روزکام و همکاران (۲۰۱۸) برای اندازه‌گیری احساس فرسودگی خاصی طراحی شده که ممکن است در اثر مسئولیت و نقش والدگری در یک بزرگسال تجربه شود. فرم نهایی این ابزار دارای ۲۳ گویه است که همگی آن‌ها بر روی لیکرت هفت‌نقطه‌ای از ۰ (معادل هرگز) تا ۶ (معادل هرروز) نمره‌گذاری می‌شوند. سازندگان ابزار جهت بررسی روایی پرسشنامه از دو شیوه روایی سازه و روایی همگرا استفاده نموده‌اند. نتایج تحلیل عاملی انجام گرفته در پژوهش آن‌ها به شناسایی یک ساختار چهار عاملی منجر گردیده که ۶۹/۵۹ درصد واریانس موجود در گویه‌ها را تبیین نموده است. جهت بررسی روایی همگرای پرسشنامه نیز از همبستگی نمره این ابزار با سیاهه فرسودگی والدینی (روزکام و همکاران، ۲۰۱۷) استفاده شده است. همچنین همسانی درونی پرسشنامه با محاسبه ضریب آلفای کرونباخ برای چهار خرده‌مقیاس خستگی از نقش والدی، تضاد با خویشتن والدینی پیشین، حس ملال و بن‌بست در نقش والدی و فاصله عاطفی با فرزندان مورد بررسی قرار گرفته که به ترتیب ۰/۹۳، ۰/۹۴، ۰/۹۱ و ۰/۷۷ گزارش شده است. موسوی و همکاران (۲۰۲۰) نیز ضریب آلفای کرونباخ برای این چهار خرده‌مقیاس و همین‌طور کل مقیاس را به ترتیب ۰/۸۲، ۰/۸۷، ۰/۹۰، ۰/۶۰ و ۰/۹۳ گزارش نموده‌اند. در پژوهش حاضر نیز به ترتیبی که پس‌ازاین ارائه خواهد شد، اطلاعات مربوط به روایی سازه، روایی همگرا، همسانی درونی و ثبات زمانی این پرسشنامه موردتوجه قرار گرفته است.

**فرم کوتاه شاخص استرس فرزندپروری (PSI-SF):** این ابزار توسط آبی‌دین (۱۹۹۵) و به منظور اندازه‌گیری احساس تنشی طراحی شده که ممکن است در اثر فرزندپروری در فرد بزرگسال ایجاد شده باشد. فرم کوتاه این ابزار دارای ۳۶ گویه است که بر روی لیکرت پنج‌نقطه‌ای از ۱ تا ۵ نمره‌گذاری می‌شوند. پرسشنامه دارای سه خرده‌مقیاس آشفتگی والدین<sup>۱</sup> (گویه نمونه: «احساس می‌کنم تنها و بدون دوست هستم»)، تعامل ناکارآمد والد-کودک<sup>۲</sup> (گویه نمونه: «فرزندم من را دوست ندارد و دلش نمی‌خواهد پیش من باشد») و کودک مشکل‌آفرین<sup>۳</sup> (گویه نمونه: «فرزند من بیشتر از سایر بچه‌ها گریه می‌کند و نق می‌زند») می‌باشد. در پژوهش آبی‌دین (۱۹۹۵) ضرایب آلفای کرونباخ برای این سه خرده‌مقیاس و همین‌طور کل ابزار به ترتیب ۰/۸۷، ۰/۸۰، ۰/۸۵ و ۰/۹۱ گزارش شده است. ویژگی‌های روان‌سنجی نسخه فارسی ابزار نیز در پژوهش‌های متعددی (همچون فدایی، دهقانی، طهماسبیان و فرهادی (۱۳۸۹)، (مورد بررسی قرار گرفته و مطلوب گزارش شده است. فدایی و همکاران (۱۳۸۹) ضرایب آلفای سه خرده‌مقیاس آشفتگی والدین، تعامل ناکارآمد والد-کودک و کودک مشکل‌آفرین را در نمونه مادران کودکان ۷ تا ۱۲ سال به ترتیب ۰/۸۰، ۰/۸۴ و ۰/۸۰ و ضریب

<sup>۱</sup> . Parental Distress

<sup>۲</sup> . Parent-Child Dysfunctional Interaction

<sup>۳</sup> . Difficult Child

آلفا برای کل مقیاس را  $0/90$  گزارش نموده‌اند. در پژوهش حاضر نیز ضریب آلفای کرونباخ جهت بررسی همسانی درونی پرسشنامه محاسبه گردیده که جهت سه خرده‌مقیاس فوق و کل مقیاس به ترتیب معادل  $0/95$ ،  $0/89$ ،  $0/93$  و  $0/97$  برآورد شده است.

#### یافته‌ها

میانگین سنی مادران شرکت‌کننده در پژوهش حاضر  $33/25$  (با انحراف استاندارد  $4/22$ ) و میانگین تعداد فرزندان برای آن‌ها  $2/35$  بوده است. به علاوه،  $3$  درصد از آن‌ها سطح تحصیلات خود را زیردیپلم اعلام نموده‌اند و  $36$  درصد دارای مدرک دیپلم،  $31$  درصد کارشناسی،  $25$  درصد کارشناسی‌ارشد و  $5$  درصد از سطح تحصیلی دکتری برخوردار بوده‌اند. گفتنی است جهت انجام تحلیل‌عاملی اکتشافی و تاییدی، نمونه پژوهشی فوق با استفاده از قابلیت نرم‌افزار SPSS-22 در ایجاد زیرنمونه‌های تصادفی، به دو گروه تقسیم گردیده که مشخصات جمعیت‌شناختی هریک در جدول زیر ذکر گردیده است. در ادامه نیز به ترتیب نتایج تحلیل‌عاملی اکتشافی، تحلیل‌عاملی تاییدی، همسانی درونی و ثبات زمانی و روایی همگرای نسخه فارسی پرسشنامه ارزیابی فرسودگی والدینی (PBA) گزارش شده است.

جدول ۱. ویژگی‌های جمعیت‌شناختی نمونه پژوهش

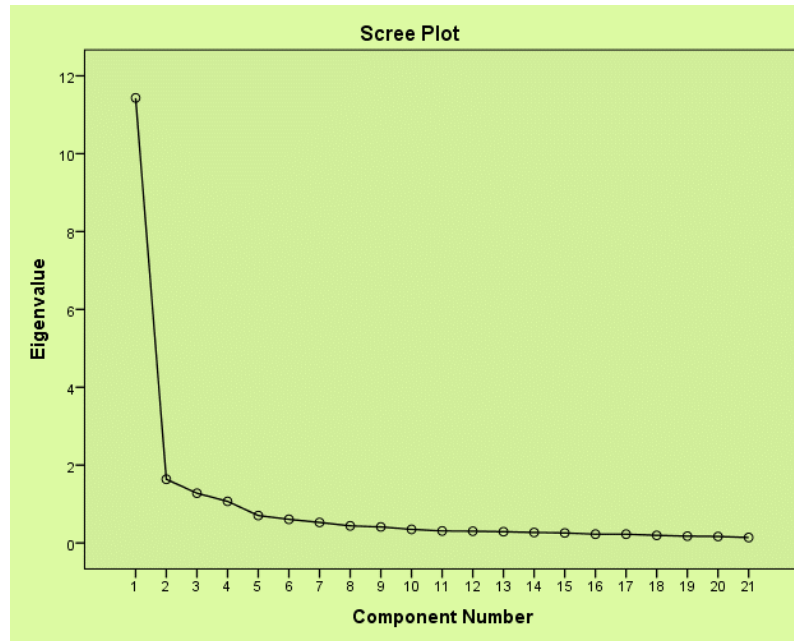
تعداد	میانگین (انحراف استاندارد) سنی	میزان تحصیلات			
		زیردیپلم	دیپلم	کارشناسی	کارشناسی‌ارشد دکتری
زیر نمونه ۱	۴۴۳	$3/33/24$	$3/37$	$3/31$	$6/23$
زیر نمونه ۲	۴۴۱	$3/33/15$	$3/35$	$2/29$	$5/28$
کل نمونه	۸۸۴	$3/33/25$	$3/36$	$3/31$	$5/25$

الف) تحلیل‌عاملی اکتشافی: تحلیل‌عاملی اکتشافی بر روی نمونه‌ای مشتمل بر ۴۴۳ نفر از مادران شرکت‌کننده در پژوهش اجرا شده است. بدین ترتیب و بر اساس نتیجه تحلیل‌عاملی به روش مؤلفه‌های اصلی با چرخش واریماکس و بر اساس ملاک‌های ارزش‌ویژه بزرگ‌تر از یک و نمودار سنگریزه (شکل ۱) چهار مؤلفه استخراج گردیده است. در این تحلیل مقدار شاخص کیسر-مایر-الکین یا KMO معادل  $0/95$  و نتیجه آزمون بارتلت با مقدار تقریبی  $7572/44$  و درجه آزادی ۲۱۰ معنی‌دار است ( $P < 0/001$ ). این دو شاخص مطابق نظر میرز، گامست و گارینو (۲۰۰۶) بر کفایت همبستگی و قابلیت عاملی شدن در گویه‌های پرسشنامه فرسودگی والدینی حکایت می‌کنند.

چهار مؤلفه استخراج شده روی هم رفته  $73/40$  درصد از واریانس موجود در گویه‌ها را تبیین نموده‌اند که ارزش‌ویژه، درصد واریانس تبیین شده و بارعاملی گویه‌های قرارگرفته بر روی هریک از آن‌ها در جدول ۲ گزارش شده است. قابل ذکر است که گویه‌های دهم و بیست و سوم (به ترتیب « فکر نمی‌کنم به اندازه گذشته مادر خوبی باشم» و «تازگی‌ها نمی‌توانم به فرزندم نشان دهم که چقدر دوستش دارم») پرسشنامه به دلیل بارعاملی کوچک‌تر از  $0/30$  از فرایند تحلیل‌عاملی حذف گردیده‌اند. همچنین گفتنی است که چهار مؤلفه استخراج شده در تحلیل‌عاملی نسخه فارسی نیز به تبعیت از روزکام و همکاران (۲۰۱۸) و نیز برحسب گویه‌های مرتبط، به ترتیب خستگی از نقش والدی، حس ملال و بن‌بست در نقش والدی، تضاد با خویشان والدینی پیشین و فاصله عاطفی با فرزندان نام‌گذاری شده‌اند. جدول ۲ همچنین حاوی ضرایب همبستگی مربوط به نمره هر سؤال با نمره کل پرسشنامه می‌باشد که به عنوان



شاخص دیگری از روایی نسخه فارسی پرسشنامه فرسودگی والدینی در این پژوهش محاسبه شده است. چنان‌که در این جدول نیز مشاهده می‌گردد ضرایب همبستگی گویه‌ها با نمره کل پرسشنامه در بازه‌ای از ۰/۵۹ تا ۰/۸۵ قرار می‌گیرد.



شکل ۱. نمودار سنگریزه مربوط به نسخه فارسی پرسشنامه فرسودگی والدینی (PBA)

جدول ۲. بار عاملی گویه‌های پرسشنامه فرسودگی والدینی، ارزش ویژه و درصد واریانس تبیین شده چهار مؤلفه استخراج شده در تحلیل عاملی اکتشافی

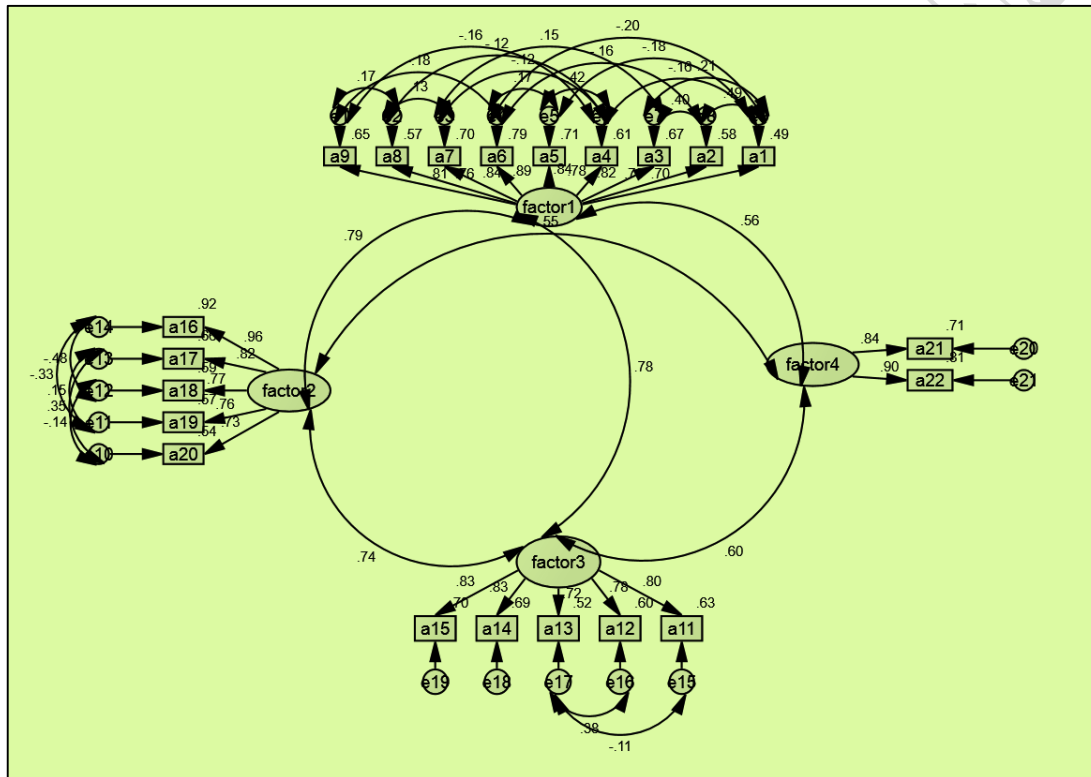
همبستگی با نمره کل	بار عاملی				گویه
	عامل اول	عامل دوم	عامل سوم	عامل چهارم	
۰/۷۰	۰/۷۳				۱. احساس می‌کنم نقش مادری توانم را به‌طور کامل تحلیل برده است.
۰/۷۷	۰/۷۹				۲. به‌عنوان یک مادر حس می‌کنم که واقعاً خسته شده‌ام.
۰/۸۰	۰/۸۳				۳. آن‌قدر از نقش مادری خسته شده‌ام که حتی خوابیدن هم برای برطرف کردن این خستگی کافی به نظر نمی‌رسد.
۰/۷۴	۰/۶۴				۴. صبح که از خواب بلند می‌شوم و یاد می‌آید مجبورم یک روز دیگر را هم با فرزند (یا فرزندانم) به سر بپریم، در همان آغاز روز احساس خستگی می‌کنم.
۰/۸۱	۰/۷۱				۵. حتی فکر کردن به کارهایی که باید برای فرزند (یا فرزندانم) انجام دهم هم برایم طاقت‌فرساست.
۰/۸۵	۰/۶۸				۶. برای مراقبت از فرزند (یا فرزندانم) هیچ انرژی‌ای در اختیار ندارم.
۰/۸۱	۰/۷۸				۷. نقش مادری تمام نیرو و انرژی مرا مصرف کرده است.
۰/۷۵	۰/۷۲				۸. بعضی اوقات فکر می‌کنم که در مراقبت از فرزند (یا فرزندانم) مثل یک ماشین خودکار عمل می‌کنم.
۰/۷۹	۰/۶۷				۹. من در نقش مادری شبیه به جنگجویی هستم که در هفت‌خان رستم گرفتار شده است.
۰/۸۱		۰/۷۲			۱۰. بیش از این نمی‌توانم وظایف مادری را تحمل کنم.
۰/۷۲		۰/۸۴			۱۱. حس می‌کنم که نمی‌توانم باز هم به نقش مادری‌ام ادامه دهم.
۰/۷۱		۰/۵۷			۱۲. احساس می‌کنم به‌عنوان یک مادر، بیش از این کاری از دستم بر نمی‌آید.
۰/۷۰		۰/۶۸			۱۳. احساس می‌کنم نمی‌توانم با این نقش مادری کنار بیایم.
۰/۶۵		۰/۷۸			۱۴. از بودن در کنار فرزندانم چندان لذتی نمی‌برم.
۰/۷۵		۰/۷۲			۱۵. مدام به خودم می‌گویم تو همان مادری که قبلاً بوده‌ای، نیستی.
۰/۷۰		۰/۶۵			۱۶. از این مادری که هستم، شرمندهم.
۰/۶۶		۰/۶۷			۱۷. دیگر به مادری کردن خودم افتخار نمی‌کنم.
۰/۷۶		۰/۶۹			۱۸. بعضی وقت‌ها خیال می‌کنم که در برخورد با فرزند (یا فرزندانم)، خود واقعی‌ام نیستم.
۰/۷۳		۰/۶۹			۱۹. احساس می‌کنم که به‌عنوان یک مادر را هم را گم کرده‌ام.
۰/۵۹	۰/۸۶				۲۰. برای فرزندانم فقط همان وظایف ساده و اصلی هر مادری را انجام می‌دهم نه بیشتر.
۰/۶۳	۰/۸۳				۲۱. فارغ از همان برنامه هرروزه (غذا، خواب و رفت‌وآمد)، قادر به انجام کار دیگری برای فرزند (یا فرزندانم) نیستم.
	۱/۰۷	۱/۲۸	۱/۶۴	۱۱/۴۳	ارزش ویژه
	۹/۱۱	۱۷/۲۴	۱۸/۷۰	۲۸/۳۵	درصد واریانس تبیین شده

ب) تحلیل عاملی تاییدی: به منظور بررسی ساختار چهار عاملی فوق یک فرایند تحلیل عاملی تاییدی نیز در زیر نمونه ۴۴۱ نفری مادران شرکت‌کننده در پژوهش حاضر و با استفاده از نرم‌افزار AMOS-22 انجام گرفته است. شاخص‌های برازش مربوط به این تحلیل در جدول ۳ ارائه شده است. چنان‌که در این جدول نیز مشاهده می‌گردد مقادیر شاخص‌های نیکویی برازش (GFI)، برازش تطبیقی (CFI)، برازش افزایشی (IFI) و برازش هنجار شده (NFI) بزرگ‌تر یا مساوی ۰/۹۵ هستند که مطابق نظر هوپر، کوگلان و مولن (۲۰۰۸) در بازه قابل قبول قرار می‌گیرند. مقادیر دو شاخص نسبت مجذور خی دو بر درجه آزادی (CMIN/DF) و ریشه خطای میانگین مجذورات تقریب (RMSEA) نیز به ترتیب ۲/۳۰ و ۰/۰۶ است که در بازه قابل قبول این دو شاخص قرار می‌گیرند.

جدول ۳. شاخص‌های برازش مرتبط با تحلیل عاملی تاییدی

شاخص	CMIN/DF	CFI	IFI	NFI	GFI	AGFI	RMSEA	PCLOSE
مقدار	۲/۱۸	۰/۹۷	۰/۹۷	۰/۹۵	۰/۹۵	۰/۹۵	۰/۰۵	۰/۳۴
مقدار قابل قبول	<۳	≥۰/۹۵	≥۰/۹۵	≥۰/۹۵	≥۰/۹۵	≥۰/۹۵	<۰/۰۷	۰/۰۵

نمودار مربوط به مدل ساختاری نیز در شکل ۲ به نمایش درآمده است. در این شکل واریانس تبیین‌شده هر گویه در مدل ساختاری و نیز همبستگی میان چهار عامل موجود در نسخه فارسی پرسشنامه قابل مشاهده است



شکل ۲. مدل ساختاری مربوط به تحلیل عاملی تاییدی نسخه فارسی پرسشنامه فرسودگی والدینی

ج) همسانی درونی و ثبات زمانی: جهت بررسی همسانی درونی نسخه فارسی پرسشنامه فرسودگی والدینی نیز از دو شاخص ضریب آلفای کرونباخ و امگای مک‌دونالد استفاده شده است. بدین ترتیب مقدار ضریب آلفای کرونباخ محاسبه شده در کل نمونه پژوهش حاضر برای چهار خرده‌مقیاس خستگی از نقش والدی، حس ملال و بن‌بست در نقش والدی، تضاد با خویشتن والدینی پیشین و فاصله عاطفی با فرزندان و کل مقیاس به ترتیب ۰/۹۴، ۰/۹۰، ۰/۹۱، ۰/۸۳ و ۰/۹۶ است. مقدار امگای مک‌دونالد نیز برای چهار خرده‌مقیاس فوق و کل مقیاس به ترتیب ۰/۹۵، ۰/۹۱، ۰/۹۱، ۰/۸۳ و ۰/۹۶ به دست آمده است. جهت بررسی ثبات زمانی پرسشنامه نیز از محاسبه ضریب بازآزمایی با فاصله زمانی ده روز بر روی نمونه‌ای شامل ۲۸ نفر از مادران شرکت‌کننده در پژوهش حاضر استفاده شده است که بر مبنای آن ضریب بازآزمایی چهار خرده‌مقیاس بالا به ترتیب ۰/۹۲، ۰/۸۹، ۰/۸۹ و ۰/۸۹ و ضریب بازآزمایی کل مقیاس ۰/۹۴ به دست آمده است.

د) روایی همگرا: جهت بررسی روایی همگرایی نسخه فارسی پرسشنامه فرسودگی والدینی نیز از ضریب همبستگی نمرات حاصل از این ابزار با نمرات حاصل از فرم کوتاه شاخص استرس فرزندپروری استفاده شده است. ماتریس همبستگی حاصل میان نمرات خرده‌مقیاس‌ها و نمرات کل پرسشنامه‌های فوق در جدول ۴ گزارش شده است.

جدول ۴. ماتریس همبستگی نمرات حاصل از پرسشنامه فرسودگی والدینی (PBA) و فرم کوتاه شاخص استرس فرزندپروری (PSI-SF)

فرم کوتاه شاخص استرس فرزندپروری			
کل	آشناختگی	تعامل	ناکارآمد
مقیاس	والدین	والد-کودک	مشکل آفرین
کل مقیاس	۰/۸۰**	۰/۷۹**	۰/۷۲**
خستگی از نقش والدی	۰/۷۱**	۰/۷۳**	۰/۶۴**
حس ملال و یکنواختی در نقش والدی	۰/۸۰**	۰/۷۶**	۰/۷۳**
تضاد با خویش و والدینی پیشین	۰/۷۷**	۰/۷۵**	۰/۷۰**
فاصله عاطفی با فرزندان	۰/۷۷**	۰/۷۵**	۰/۷۰**

#### بحث و نتیجه‌گیری

هدف از پژوهش حاضر، بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی پرسشنامه ارزیابی فرسودگی والدینی (PBA) در مادران ایرانی دارای فرزند پیش‌دبستانی بوده است. یافته‌های پژوهش حاضر در بخش روایی همگرا و همبستگی نمرات حاصل از این پرسشنامه با نمرات فرم کوتاه پرسشنامه استرس فرزندپروری به‌وضوح با مفهوم‌سازی خاص فرسودگی والدینی که هم متضمن نزدیکی این سازه با استرس فرزندپروری و درعین‌حال استقلال از آن است (میکولاچاک و روزکام، ۲۰۱۸ و میکولاچاک و روزکام، ۲۰۲۰)، مطابقت می‌کند. به کلام دیگر، بررسی ریزبینانه همبستگی‌های به‌دست‌آمده در پژوهش حاضر، ضمن آن که نشان می‌دهد تجربه فرسودگی والدینی در مجاورت یک استرس فرزندپروری شدید که احتمالاً مدت‌زمانی طولانی نیز فرد را درگیر ساخته، روی می‌دهد، درعین‌حال، تفاوت میان این دو سازه را نیز مشهود ساخته است. هرچند جزییات مربوط به رابطه میان خرده‌مقیاس‌های این دو پرسشنامه، به‌ویژه همبستگی میان مؤلفه خستگی از نقش والدی (در پرسشنامه فرسودگی والدینی) با مؤلفه‌های تعامل ناکارآمد والد-کودک و کودک مشکل‌آفرین (در پرسشنامه استرس فرزندپروری) که اندکی کمتر از سایر ضرایب است، خود به مطالعه کیفی مجزایی پیرامون روابط میان این دو سازه در جامعه ایرانی نیاز دارد.

گذشته از این موضوع، بررسی یافته‌های پژوهش حاضر در بخش همسانی درونی و ثبات زمانی نیز از کفایت مطلوب نسخه فارسی پرسشنامه ارزیابی فرسودگی والدینی (PBA) در نمونه مادران ایرانی دارای فرزند پیش‌دبستانی حکایت می‌کند. به‌ویژه، مقایسه ضرایب آلفای به‌دست‌آمده در پژوهش حاضر با ضرایبی که در پژوهش موسوی و همکاران (۲۰۲۰) گزارش شده، نشان می‌دهد که نسخه فارسی پرسشنامه فرسودگی والدینی در نمونه‌های همگن‌تر والدین ایرانی-به‌ویژه وقتی جنسیت والد معین است- از همسانی درونی بیشتری نسبت به آنچه در مطالعه مذکور قید شده، برخوردار است.

البته یافته‌های پژوهش حاضر نیز همچون مطالعه موسوی و همکاران (۲۰۲۰)، وجود یک ساختار چهار عاملی در نسخه فارسی پرسشنامه ارزیابی فرسودگی والدینی (PBA) را مورد تأیید قرار می‌دهد. هرچند چنان‌که پیش‌ازاین نیز گفته‌شده بود، موسوی و همکاران (۲۰۲۰) استقلال عاطفی از فرزندان را به‌عنوان مؤلفه‌ای نه چندان متمایز در فرهنگ ایرانی شناسایی نموده و رعایت احتیاط در خصوص آن را توصیه کرده بودند. درحالی‌که یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد که لااقل در نمونه مادران، این مؤلفه نیز همچون سه مؤلفه خستگی از نقش والدی، تضاد با خویشتن والدینی و حس ملال و بن‌بست در نقش والدی از استقلال و همسانی درونی مطلوبی برخوردار است. بدین ترتیب، این احتمال را می‌توان به‌طور جدی‌تر مطرح ساخت که سازه فرسودگی والدینی در جامعه ایرانی نیز همچون بسیاری از کشورهای مورد مطالعه روزکام و همکاران (۲۰۲۱) از چهار جنبه مشخص برخوردار است. هرچند این موضوع که آیا در جامعه ایرانی نیز تجربه فرسودگی والدینی با نفوذ فرهنگ فردگرایانه در خانواده‌ها شدت گرفته، نکته‌ای است که متأسفانه در پژوهش حاضر اطلاعاتی برای گمانه‌زنی پیرامون آن مهیا نگردیده است.

درواقع، پژوهش حاضر به‌واسطه همه‌گیری کرونا و دشواری دسترسی به نمونه پژوهشی، امکان گردآوری اطلاعات کیفی یا استفاده از تعداد پرسشنامه‌های بیشتر (به علت طولانی شدن لینک سؤالات) را از دست داده است. این موضوع به ناگزیر به یک محدودیت برای پژوهش حاضر تبدیل شده و امکان پاسخگویی به کنجکاوی‌های بیشتر پیرامون سازه فرسودگی والدینی را سلب نموده است. از طرفی، تعمدی که در پژوهش حاضر نسبت به مطالعه یک نمونه همگن وجود داشته، گرچه در نهایت تردید به وجود آمده از سوی موسوی و همکاران (۲۰۲۰) را نسبت به ساختار چهار عاملی نسخه فارسی پرسشنامه مورد بحث را از بین برده، اما مانع پاسخگویی به سؤالات دیگر نیز شده است. از این رو، پیشنهاد می‌گردد پژوهش‌های آتی، گردآوری اطلاعات کیفی پیرامون تجربه فرسودگی والدینی در پدر و مادرهای ایرانی را مورد توجه قرارداد، ویژگی‌های روان‌سنجی و به‌ویژه ساختار عاملی پرسشنامه را در نمونه‌های متنوعی از پدران و مادران را مورد بررسی قرارداد و ضمن مطالعه همبسته‌های متفاوت تجربه فرسودگی والدینی، مدل‌هایی را نیز جهت فهم شکل‌گیری این تجربه و همین‌طور مکانیسم تأثیر آن بر سلامت روان و بهزیستی والدین ایرانی طراحی و مطالعه نمایند. در نهایت بایستی یادآوری نمود که منطق پشتیبان پرسشنامه ارزیابی فرسودگی والدینی (PBA) متضمن سه نکته بسیار مهم است؛ نخست این‌که والدگری، اگر با مواجهه مزمن و طولانی مدت فرد با استرس‌های ناشی از فرزندپروری همراه باشد، عرصه کاملاً مستعدی برای بروز تجربه فرسودگی است. دوم، این‌که فرسودگی والدینی، علیرغم اشتراک در بنیان و چارچوب مفهومی، از وجوه ظریف تفاوت با سازه متقدم خود، یعنی فرسودگی والدینی، برخوردار است؛ و نکته سوم تأکید بر این موضوع است که تجربه فرسودگی والدینی تا حد زیادی تحت تأثیر فرهنگ قرار گرفته و به‌طور خاص، محصول نفوذ فرهنگ فردگرایانه در جوامع مختلف است (روزکام و همکاران، ۲۰۲۱).

### سپاسگزاری

از کلیه مادران عزیزی که با پاسخگویی به گویه‌های پرسشنامه، در این پژوهش مشارکت نمودند، صمیمانه سپاسگزاری می‌نمایم.

## منابع

- فدایی، ز؛ دهقانی، م؛ طهماسیان، ک و فرهادی، ف. (۱۳۸۹). بررسی ساختار عاملی، اعتبار و روایی فرم کوتاه-شاخص استرس فرزند پروری (PSI-SF) مادران کودکان عادی ۷-۱۲ سال. *تحقیقات علوم رفتاری*، ۸(۲)، ۸۱-۹۱.
- میرز، ال؛ گامست، گ و گارینو، ای. جی. (۲۰۰۶). پژوهش چندمتغیری کاربردی (طرح و تفسیر). ترجمه حسن پاشاشریفی و همکاران (۱۳۹۱). تهران: انتشارات رشد.
- Abidin, R. (1995). *Parenting Stress Index: Professional manual* (3rd ed.). Psychological Assessment Resources, Inc.
- Abidin, R. (1990). *Parenting stress index-short form* (p. 118). Charlottesville, VA: Pediatric psychology press.
- Bastiaansen, C., Verspeek, E., & van Bakel, H. (2021). Gender Differences in the Mitigating Effect of Co-Parenting on Parental Burnout: The Gender Dimension Applied to COVID-19 Restrictions and Parental Burnout Levels. *Social Sciences*, 10(4), 127. <https://doi.org/10.3390/socsci10040127>
- Bianchi, R., Truchot, D., Laurent, E., Brisson, R., & Schonfeld, I. (2014). Is burnout solely job-related? A critical comment. *Scandinavian Journal of Psychology*, 55(4), 357-361. <https://doi.org/10.1111/sjop.12119>
- Brianda, M., Roskam, I., & Mikolajczak, M. (2020). Hair cortisol concentration as a biomarker of parental burnout. *Psychoneuroendocrinology*, 117, 104681.
- Crnic, K., & Low, C. (2002). Everyday stresses and parenting. In M. H. Bornstein (Ed.), *Handbook of parenting: Practical issues in parenting* (pp. 243-267). Lawrence Erlbaum Associates Publishers.
- Deater-Deckard, K. (1998). Parenting stress and child adjustment: Some old hypotheses and new questions. *Clinical psychology: Science and practice*, 5(3), 314.
- Deater-Deckard, K. (2004). *Parenting Stress*. New Haven, CT: Yale University Press.
- Deater-Deckard, K., & Scarr, S. (1996). Parenting stress among dual-earner mothers and fathers: Are there gender differences? *Journal of Family Psychology*, 10(1), 45-59.
- Hooper, D., Coughlan, J., & Mullen, M. (2008, September). Evaluating model fit: a synthesis of the structural equation modelling literature. In 7th European Conference on research methodology for business and management studies (pp. 195-200).
- Koivunen, J., Rothaupt, J., & Wolfgram, S. (2009). Gender dynamics and role adjustment during the transition to parenthood: Current perspectives. *The Family Journal*, 17, 323-328.
- Maslach, C., & Jackson, S. (1981). The measurement of experienced burnout. *Journal of organizational behavior*, 2(2), 99-113. <https://doi.org/10.1002/job.4030020205>
- Maslach, C., Schaufeli, W., & Leiter, M. (2001). Job burnout. *Annual Review of Psychology*, 52, 397-422.
- Mikolajczak, M., Brianda, M., Avalosse, H., & Roskam, I. (2018). Consequences of parental burnout: A preliminary investigation of escape and suicidal ideations, sleep disorders, addictions, marital conflicts, child abuse and neglect. *Child Abuse Neglect*, 80, 134-145.
- Mikolajczak, M., Gross, J., & Roskam, I. (2019). Parental burnout: What is it, and why does it matter? *Clinical Psychological Science*, 7(6), 1319-1329.
- Mikolajczak, M., Gross, J., & Roskam, I. (2021). Beyond Job Burnout: Parental Burnout. *Trends in Cognitive Sciences*, 25(5), 333-336.

- Mikolajczak, M., Gross, J., Stinglhamber, F., Lindahl Norberg, A., & Roskam, I. (2020). Is parental burnout distinct from job burnout and depressive symptoms? *Clinical Psychological Science*, 8(4), 673-689.
- Mikolajczak, M., & Roskam, I. (2018). A theoretical and clinical framework for parental burnout: The balance between risks and resources (BR2). *Frontiers in psychology*, 9, 886.
- Mikolajczak, M., & Roskam, I. (2020). Parental burnout: Moving the focus from children to parents. *New Directions for Child and Adolescent Development*, 7-13.
- Moscardino, U., Bertelli, C., & Altoè, G. (2011). Culture, migration, and parenting: A comparative study of mother-infant interaction and childrearing patterns in Romanian, Romanian immigrant, and Italian families. *International Journal of Developmental Science*, 5(1-2), 11-25.
- Mousavi, S., Mikolajczak, M., & Roskam, I. (2020). Parental burnout in Iran: Psychometric properties of the Persian (Farsi) version of the Parental Burnout Assessment (PBA). *New Directions for Child and Adolescent Development*, 174, 85-100.
- Roskam, I., Aguiar, J., Akgun, E., Arikian, G., Artavia, M., Avalosse, H., & Mikolajczak, M. (2021). Parental burnout around the globe: A 42-country study. *Affective science*, 2(1), 58-79.
- Roskam, I., Brianda, M., & Mikolajczak, M. (2018). A step forward in the conceptualization and measurement of parental burnout: The Parental Burnout Assessment (PBA). *Frontiers in psychology*, 9, 758.
- Roskam, I., & Mikolajczak, M. (2020). Gender differences in the nature, antecedents and consequences of parental burnout. *Sex Roles*, 83(7), 485-498.
- Roskam, I., Raes, M., & Mikolajczak, M. (2017). Exhausted parents: Development and preliminary validation of the parental burnout inventory. *Frontiers in psychology*, 8, 163.
- Parke, R. (2013). Gender differences and similarities in parental behavior. In W. Wilcox & K. Kovner Kline (Eds.), *Gender and parenthood: Biological and social scientific perspectives* (pp. 120-163). Columbia University Press.
- Pelsma, D., Roland, B., Tollefson, N., & Wigington, H. (1989). Parent burnout: Validation of the Maslach Burnout Inventory with a sample of mothers. *Measurement and Evaluation in Counseling and Development*, 22(2), 81-87.
- Van Bakel, H., Van Engen, M., & Peters, P. (2018). Validity of the parental burnout inventory among Dutch employees. *Frontiers in Psychology*, 9, 697.